

کفایت سرمایه، معیاری برای پرداخت تسهیلات شرکت‌های لیزینگ در اروپا

در اواخر سال ۱۹۷۴ میلادی به علت بحران‌های به وجود آمده در بازارهای بزرگ مالی و پولی در جهان و به دنبال ورشکستگی بانک هرستات در آلمان غربی، رؤسای بانک مرکزی ده کشور صنعتی (آمریکا، آلمان، اسپانیا، ایتالیا، انگلستان، بلژیک، کانادا، فرانسه، لوگزامبورگ، سوئیس، هلند، سوئد، ژاپن) کمیته‌ای به نام کمیته مقررات و رویه‌های نظارتی بانکداری تشکیل دادند. گردهمایی در شهر بازل (بال) سوئیس برگزار شد به همین جهت کمیته به نام کمیته بازل و به اختصار به نام کمیته بال معروف شد.

گزارش سال ۱۹۹۶ این کمیته، مورد توجه رؤسای کل بانک‌های مرکزی عضو ده کشور صنعتی قرار گرفته و نتیجه آن، نوعی توافق جمعی در زمینه استفاده از یک روش مشخص برای اندازه‌گیری مخاطره در مورد اقسام مندرج در ترازنامه و خارج از ترازنامه بانکها بود. درپایین تصمیم، شیوه اندازه‌گیری و حد کفایت سرمایه که در «موافقتنامه سرمایه بال» در سال ۱۹۸۸ منتشر شده بود، مورد تصویب رؤسای بانک‌های مرکزی عضو گروه ده کشور صنعتی قرار گرفت.

پیاده‌سازی و رعایت این استاندارد به لحاظ اینکه تعریف دقیقی از مقادیر اقسام موجود در صورت و مخرج کسر نسبت سرمایه وجود نداشت، با مشکلاتی روبه‌رو شد. به همین دلیل، تفسیر موافقتنامه سرمایه برای نحوه تعدیل ذخایر عمومی، اندوخته عمومی، زیان وام‌های غیرقابل وصول، همچنین شیوه برخورد با مخاطرات بالقوه اقسام خارج از ترازنامه، و چگونگی منظور کردن مخاطرات بازار، در سه بیانیه جداگانه در سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۶ صادر شد.

بخش عمده‌ای از اقدامات اولیه مربوط به ملحوظ کردن مخاطره بازار در چارچوب کفایت سرمایه، حاصل تلاش‌های مشترک کمیته بال با مراجع تدوین‌کننده مقررات بازارهای اوراق بهادار بوده و از این رو، کمیته مزبور بر این باور است که امکان استفاده از چارچوب تدوین شده در عرصه موسسات و نهادهای مالی غیربانکی نیز وجود دارد.

با توجه به تفاسیر متفاوت و بازنگرهای انجام شده در چارچوب نوین کفایت سرمایه، این موضوع با استقبال عمومی روبه‌رو شد و در سال ۱۹۹۹ مجموعه‌ای حاوی بحث‌ها و مناظره‌های مشورتی از سوی کمیته بال منتشر گردید.

در آمریکا نیز بنیاد غیرانتفاعی و غیردولتی به نام «بنیاد لیزینگ تجهیزات و تأمین مالی» به صورت N.G.O تشکیل شده که مأموریت آن، انجام تحقیقات گسترده در خصوص صنعت لیزینگ تجهیزات و تأمین مالی بوده است.

کفایت سرمایه و روش‌های محاسبه آن

سرمایه از عوامل اصلی در ارزیابی سلامت و ثبات هر نظام بانکی و نهاد مالی است. سرمایه پوششی مطمئن در برابر مخاطرات محسوب می‌شود، از این‌رو هر بنیاد مالی باید متناسب با ماهیت و دامنه ریسکی که با آن روبه‌رو است، سرمایه کافی در اختیار داشته باشد. این مخاطرات شامل ریسک اعتباری، ریسک بازار، ریسک عملیاتی، و... است که بر وضعیت مالی بانک یا نهاد مالی اثر دارد که باید در فرآیند ارزیابی کفایت سرمایه مورد توجه قرار گیرد.

در «چارچوب نوین کفایت سرمایه» ای که در سال ۲۰۰۱ منتشر شد سه رکن اساسی به شرح ذیل مطرح شده است:

۱- حداقل الزامات کفایت سرمایه استاندارد. در این بخش از طریق تاکید بر ریسک اعتباری، ریسک بازار و همچنین ریسک عملیاتی، الزامات کفایت سرمایه محاسبه و اندازه‌گیری می‌شود.

۲- ارزیابی و نظارت که بر ارزیابی مستمر کفایت سرمایه و فرآیندهای ارزیابی داخلی بانک یا نهاد مالی، متمرکز است. از بانک‌ها و سایر نهادهای مالی انتظار می‌رود تا نسبت کفایت سرمایه خود را در محدوده‌ای فراتر از حد پایین تعریف شده، تنظیم کرده و همزمان، از سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و فرآیندهای داخلی برای ارزیابی مستمر کفایت سرمایه به نحوی که با سطوح مختلف مخاطره هماهنگ بوده و با راهبردهای تجاری و عملیاتی سازگاری داشته باشد، استفاده کنند.

۳- استفاده اثربخش از نظام بازار به عنوان اهرمی جهت بهبود و تقویت افشای اطلاعات و گسترش سلامت و ثبات در محدوده نظام بانکی و موسسات مالی. هدف از این امر، ایجاد انگیزه مناسب در بانک‌ها و نهادهای مالی برای برقراری سلامت و ثبات در محدوده عملیات و ایجاد کارایی در فعالیت‌ها است.

چارچوب نوین ارائه شده از سوی کمیته مقررات و رویه‌های نظارتی بانکداری به نحوی طراحی شده است تا زمینه بهبود در شیوه انعکاس انواع ریسک در قالب الزامات سرمایه قانونی فراهم آید و در عین حال، امکان ارائه راه‌کارهای مناسب در خصوص نوآوری‌های مالی میسر گردد.

به طور کلی سه روش اساسی برای موضوع کفایت سرمایه، مطرح است:

۱- روش استاندارد

در این روش حداقل نسبت سرمایه به دارایی ۸ درصد می‌باشد که ریسک آن از طریق تقسیم سرمایه به (ریسک بازار + ریسک عملیاتی + ریسک اعتباری) محاسبه می‌شود (پنجاه درصد سرمایه باید سرمایه اصلی یا اولیه باشد). ریسک بازار معمولاً با روش آماری و روش ارزش با توجه به ریسک، محاسبه می‌شود که در موافقتنامه سال ۱۹۹۶ آورده شده و تغییری نکرده است. محاسبه ریسک اعتباری نیز تغییر یافته است. همچنین ریسک عملیاتی در موافقتنامه‌های قبلی نبوده که اضافه شده است.

۲- روش بنیادی رتبه‌بندی داخلی

در این روش بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری بر اساس ریسک رتبه‌بندی شده‌اند. علائم AAA، AA، A، A-، BBB، BB و غیره از کمترین ریسک تا بیشترین ریسک بکار گرفته می‌شود.

نسبت کفایت سرمایه بانک و موسسات مالی بزرگ با سرمایه درجه یک بیش از ۳ میلیارد یورو به طور میانگین ۳ تا ۴ درصد می‌باشد. در آمریکا تنها ۲۰ بانک و موسسه مالی بزرگ در این رده قرار دارد. ولی در سراسر دنیا ۱۸۸ بانک و موسسات مالی بزرگ هستند که اکثریت آنها در اروپا و ژاپن می‌باشند.

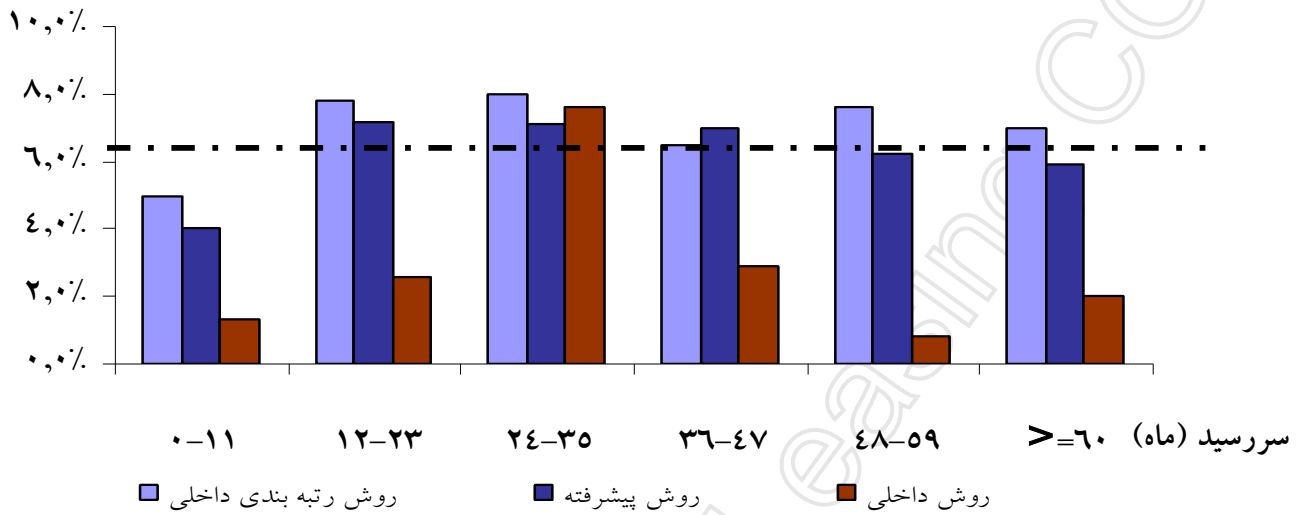
۳- روش پیشرفته رتبه‌بندی

در این روش معیارهای سخت‌تری برای رتبه‌بندی بر اساس ریسک تعیین شده است. عمدتاً حداقل نسبت کفایت سرمایه ۳۶٪ و حداکثر ۴۶٪ می‌باشد.

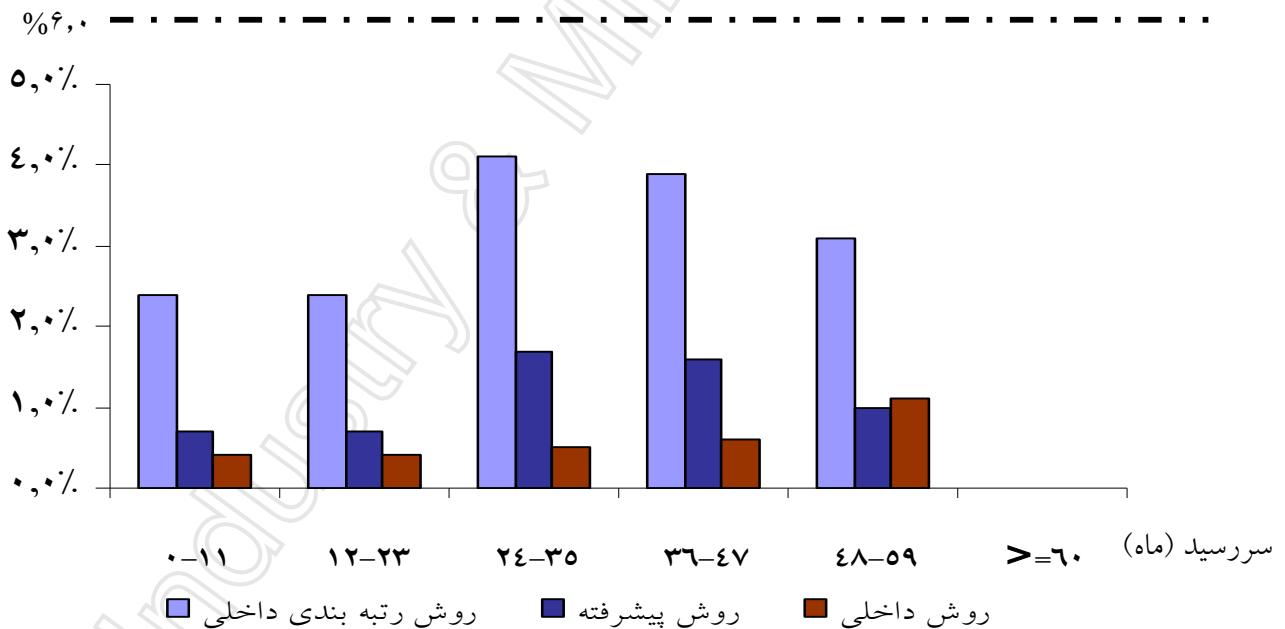
کفایت سرمایه و لیزینگ در اروپا

شرکت‌های بزرگ لیزینگ به عنوان موسسات مالی بزرگ تلقی می‌شوند و بسیاری از بانک‌های بزرگ و بانک‌های بین‌المللی دارای شرکت‌های تابعه‌ای هستند که در صنعت لیزینگ فعالیت می‌کنند. بنابراین شرکت‌های لیزینگ هم می‌بایست در اعطای تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط (SME ها)، کفایت سرمایه آنها را ارزیابی و مدنظر قرار دهند. در واقع رعایت الزامات کفایت سرمایه کمیته بال، موجب می‌شود اعتبار بانک و شرکت‌های لیزینگ افزایش یافته و بتوانند منابع مالی خود را با نرخ کمتری تامین کنند.

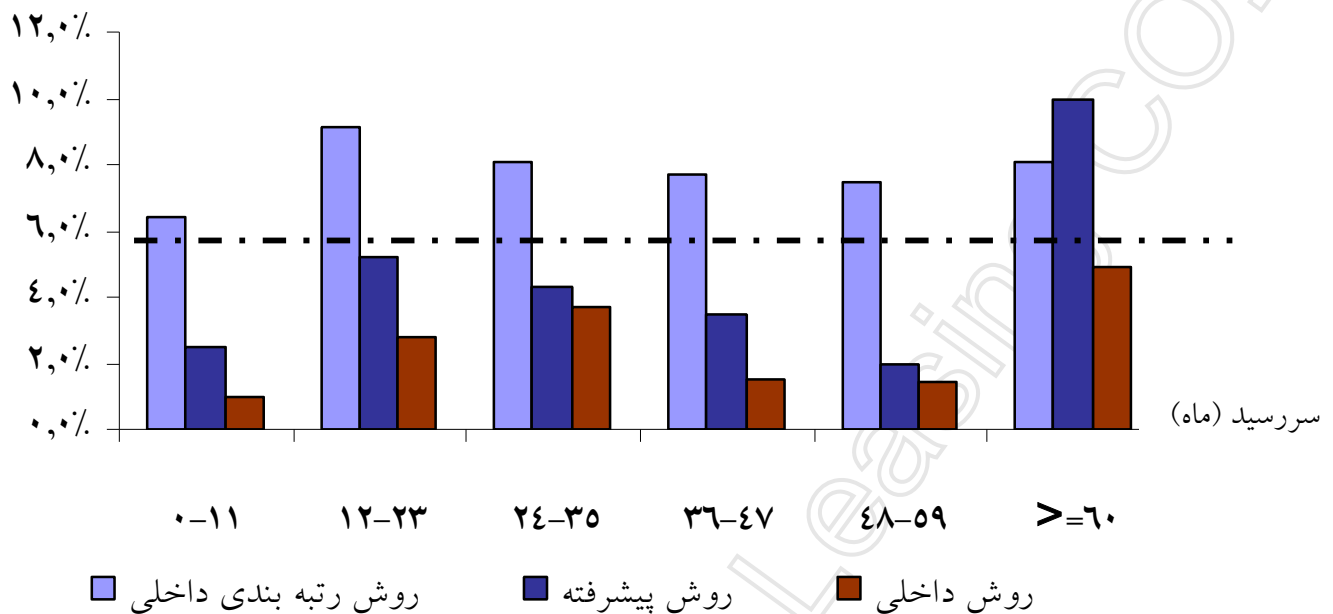
شکل ۳- کفایت سرمایه به سه روش در لیزینگ کامپیوتر و تجهیزات اداری



شکل ۴- کفایت سرمایه به سه روش در لیزینگ تجهیزات پزشکی



شکل ۵- کفایت سرمایه به سه روش در لیزینگ سایر تجهیزات



Source: Schmit (۲۰۰۲b), Table 1, http://www.leaseurope.org/pages/Studies_and_Statements/Studies/PDLGDFINAL.pdf

دو ویژگی کلیدی لیزینگ می‌تواند علت تفاوت‌های قابل توجه را در میزان کفایت سرمایه از منظر شرکت‌های لیزینگ، توضیح دهد:

۱- عرضه تضامین و وثیقه‌های فیزیکی^۱ (همانند مسکن، خودرو، کامیون، ماشین‌آلات،)
 ۲- این واقعیت که در اروپا یک بخش قابل توجهی از قراردادهای لیزینگ را می‌توان در طبقه خرده‌فروشی قرار داد. در واقع دارایی‌های واگذار شده از طریق لیزینگ، در طول دوره اجاره در مالکیت موجر باقی می‌ماند و این ویژگی به دلیل مالکیت مجدد یافتن (موجر) در صورت قصور و عدم پرداخت مستاجر، بسیار مطلوب است. از طرفی تضامین فیزیکی در کاهش ریسک اعتباری بسیار موثر هستند.

موسسات مالی اروپا به این نتیجه رسیده‌اند که بر اساس کفایت سرمایه محاسبه شده طبق روش رتبه‌بندی داخلی، تضامین و وثیقه‌های فیزیکی همچون مسکن بسیار مطلوب به نظر می‌رسد. به

^۱ physical collaterals

همین دلیل تعداد کمی از موسسات مالی روش پیشرفته را انتخاب می‌کنند. البته این فقدان تشخیص ممکن است یک انحراف رقابتی را در صنعت مالی ایجاد کند. به علاوه موسسات مالی باید مطابق با تعداد زیادی از کفایت‌های حداقل، توانایی تحقق انواع ابزارهای ریسکی را که تشخیص داده‌اند، داشته باشند.

فاطمه حسین زاده

کارشناس برنامه‌ریزی، تحقیق و توسعه

شرکت لیزینگ صنعت و معدن